

محرمانگی اطلاعات نیستند. منظور از سطح فردی همان حریم اطلاعات خصوصی افراد است. دولت موظف است زیرساخت‌های امنیتی را تدارک ببیند که در برابر خرابکاری‌هایی مانند هک شدن، ویروس و... آسیب‌پذیر نباشد. لازمه این امر فراهم کردن سیستم‌هایی است که از اطلاعات در برابر تهدیدهای مجازی حمایت کند. به علاوه دولت باید بخش دولتی و خصوصی و به ویژه سازمان‌هایی که در عرصه امنیت الکترونیک کار می‌کنند را در برابر اتفاقات احتمالی، مسئول بشناسد.

چالش دیگر الکترونیک شدن دستگاه قضایی، چگونگی احراز هویت کاربر است. اطلاعات در شکل دیجیتال اصالت خود را از دست می‌دهند و برخلاف حالت نوشته، صرف وجود یک مدرک سندیت آن را تأمین نمی‌کند چون معیاری برای تمییز واحدهای ده‌تایی داده‌ها از یکدیگر وجود ندارد. به این دلیل به مجرد اینکه نهادی اقدام به اشتراک گذاشتن اطلاعات، نظامات و کارکردها می‌کند، به دلایل امنیتی باید کاربر را بشناسد و بتواند هویتش را تصدیق کند. از انتقادات قابل ایراد نسبت به بسیاری از نهادهای دولتی تصدیق کاربر از طریق روش‌های عادی است. شناسایی داده‌های الکترونیک نیازمند توجه ویژه به روند تولید آن است. در عمل هم بسیاری از حوزه‌های قضایی از طریق روش نامتقارن کلید عمومی و خصوصی رمزنویسی و امضاها دیجیتال، ضریب امنیت را بالا برده‌اند.

پیشنهاد می‌شود که بسته به کاربرد اطلاعات از روش‌های مختلف احراز سندیت استفاده شود. به کارگرفتن رمزگذاری یا نوعی از امضای الکترونیک اگر قابل پیاده‌سازی در سطح وسیع باشد، بهترین روش است. تنها مشکل این است که لازمه‌اش برقراری نوعی ارتباط بین فرد با تک تک افرادی است که امکان دارد برای آن‌ها اطلاعاتی را بفرستد. در پایان سؤالی که مطرح می‌شود این است که الکترونیک شدن دستگاه قضایی تا کجا باید پیش برود؟ آیا می‌توان تمام فرایندها را به شکل اینترنتی انجام داد تا جایی که به تشکیل غیرحضوری جلسات رسیدگی و محاکمات آنلاین بینجامد؟ در پاسخ عده‌ای معتقدند فقدان دانش کافی در کاربست فناوری اطلاعات مانع دسترسی شهروندان به دادگاه می‌شود و اطلاعات منتشرشده تنها قابل دسترسی برای معدودی از افراد است.

به این ترتیب افزایش دسترسی، قابلیت دسترسی را کاهش می‌دهد. به علاوه نقد همه‌جانبه و به خصوص ژورنالیستی آرای قضایی می‌تواند استقلال قضات را متزلزل کند. با این دیدگاه پیشرفت الکترونیک شدن به سمت محاکمات آنلاین مغایر حق دسترسی به عدالت است.

گروه دیگر چنین تحولی را مطلوب حکمرانی خوب قضایی می‌دانند و معتقدند در مرحله نخست محیط قضایی از محیط نوشته به سمت دیجیتال تغییر می‌یابد و قضات، وکلا و کارمندان از مزایای پایگاه‌ها اطلاعاتی حقوقی، نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای تسهیل‌کننده بهره می‌گیرند. مرحله بعدی طراحی نرم‌افزارهایی برای تفهیم و تفسیر تصمیمات قضایی و دیجیتال شدن اسناد و به خصوص ادله است؛ سپس اسناد و امضای الکترونیک در سطح گسترده پذیرفته خواهد شد و این مقدمه لازمه فناوری محور شدن سیستم ثبت محاکمات است و در نهایت فناوری اطلاعات و ارتباطات مدرن اجازه ظهور دادگاه‌های مجازی را خواهد داد. با این تغییر موانع آیین رسیدگی سنتی، مانند حفظ نظم دادگاه و دور بودن شهود و مدارک از محل دادگاه، برطرف خواهد شد.

در مقام ترجیح به نظر می‌رسد چنین تحولاتی کاملاً هماهنگ با بهترارائه شدن خدمات قضایی است، چون تسهیل‌کننده برگزاری علنی جلسات (البته در فرض الکترونیک شدن شهروندان)، دسترسی آسان به اسناد و مدارک پرونده، انتشار علنی تصمیمات، ثبت آرا و نقد بررسی گسترده آن، حذف مشکلاتی مانند بعد مسافت در حضور هیئت منصفه، شفاف شدن روند دادگاه و کاهش رو به حذف فساد قضایی و مسائل فرهنگی مانند زشتی مراجعه به دادگستری برای طرفین دعوا است. با این وجود ابهاماتی نظیر نحوه مداخله وکیل در دعاوی و چگونگی احراز صحت گفتار شهود و طرفین دعوا وجود دارد که با پرورش قضات الکترونیک در زمانی که این مراحل طی می‌شود، حل خواهد شد.

در مورد دسترسی به اینترنت و امکان استفاده واقعی شهروندان از آن راه حلی که در بسیاری از کشورها در حال اجرا است، تشکیل پایگاه‌هایی در نقاط مختلف است به گونه‌ای که هرکس حداقل از چهار مکان مختلف امکان اتصال به شبکه را داشته باشد

نتیجه‌گیری

حکمرانی خوب ناظر بر فرایندها و شکل و نحوه اتخاذ و عملیاتی‌سازی تصمیمات است و رابطه شهروند و دولت و به طور خاص شهروند و دستگاه قضایی را به سمت ارتقای حقوق شهروندی پیش می‌برد و الگویی مناسب در ایجاد اصلاحات قضایی است. شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی خوب در دستگاه قضایی عبارتند از:

- ۱- شاخص شفافیت: رسیدگی علنی، امکان دسترسی به اسناد و اطلاعات، صدور علنی رأی
- ۲- شاخص پاسخگویی: رسیدگی چند مرحله‌ای، مستند و مستدل بودن احکام
- ۳- شاخص مشارکت: حضور وکیل، حضور هیئت منصفه، رسیدگی از طریق نهادهای مستقل مردمی
- ۴- شاخص رعایت حقوق بشر: رعایت اصول دادرسی منصفانه، اعمال اصول حقوق بشر بین‌الملل در تصمیمات
- ۵- شاخص حاکمیت قانون: مستدل بودن و مستند بودن تصمیمات به قانون و قواعد حقوق بشر بین‌الملل، رسیدگی چند مرحله‌ای، حضور وکیل و استقلال فردی و نهادی قضایی. روال‌های سنتی قضایی و اداری، مانعی بر راه اعمال تغییر است. در مقام یافتن راه حل می‌توان الکترونیک شدن امر قضا را پیشنهاد کرد. چالش‌های عام پروژه دولت الکترونیک مانند چگونگی همگانی‌سازی خدمات، شناسایی کاربر و امنیت شبکه در دستگاه قضایی، نگرانی بیشتری را ایجاد می‌کند، اگر به این مسئله تمایل به ویژه نظام‌های تفتیشی به محرمانگی را بیفزاییم چرایی کندی روند الکترونیک شدن این نهاد نسبت به دیگر ارکان دولت روشن می‌شود. الکترونیک شدن، در فرض تأمین امنیت و حفظ حریم، قالبی مناسب برای تسهیل حکمرانی است و ظرفیت ایجاد تغییرات مورد نظر حکمرانی خوب در دستگاه قضایی به هدف تحقق دادرسی منصفانه را دارد. در صورتی که روند الکترونیک شدن دستگاه قضایی از یک طرف با آموزش شهروندان، قضات و کارمندان اداری همراه باشد و از طرف دیگر حساسیت‌های بومی را در نظر بگیرد، زمینه دسترسی بهتر و در بلندمدت ارزان‌تر به عدالت را فراهم خواهد کرد.